

در شهر چه خبر است؟

د سال پیش یک جورایی نوسترا داموس وار جمله ای پرمغز را اعتراضات مشخص کرده است. پایه و اساس طنز نوعی هاست. دقت کردید؟ پس طنز هم اعتراض داخلش هست. فنی رو راستش زیاد فکر نکنم منظوری داشته... داشته؟ خص می شه. کار نداریم. حالا شما ببینین که توی این شهر س یا حتی فرهنگ عذرخواهی بها دادیم؟ مسئولان؟ اونا مسئولان که سردمدار و پیشرو در امور عذرخواهی هستن. مهم اینه که ما هم فرهنگ هم زیستی مسالمت آمیز رو بنیال سر همدیگه نکنیم.

ای تأسف
صحبت
شد.
صبر
نکسته؟!
چاه جا
شین؟ پس

ایست! تو دیگه
وسط شلوغی
سواستفاده نکن

بی خیال
شلوغه!

اینجوری نمیشه.
بیا بریم یک کلاس
تو خیلی برات
بگذارم!

تلافیش
پلغمون چیه
دیگه؟ سلاح
جدیده؟

نه قیلا هم
بوده. الان
دوباره در
اومده!

پس کی
چی بگیریم؟

اینجا حرفت شنیده
نمیشه

دود آگروز
نمی خوانیم
نمی خوانیم

حقوق ما
مست

ایست! تو دیگه
وسط شلوغی
سواستفاده نکن

این روش تربیت فرزند، آن هم در قرن ۲۱، جای تأسف دارد. هر کسی که اشتباهی می‌کند، باهاش صحبت نکن. کار فرهنگی نکن. بگیر و ببند که نشد. صبر کنین ببینن.... اون پنجره خونه ماست که شکسته؟! پسر بوووفوف! به جای اینکه بگیرین از پنجاه جا استخونش را بشکونین فقط گوشش روی کشین؟ پس فلک رو برای چی اختراع کردن؟

قسمت اول
فصل جدید